

خطاهای سیاسی

از شهریور ۱۳۲۰ بعد

خطای

شهریور

بزرگترین خبط سیاسی در شهریور ۱۳۲۰ واقع شد بعد از شکافته شدن خطوط دفاعی روسها و نفوذ قشون آلمان در اوکرائی و نزدیک شدن به مسکو هر کسی که اندک اطلاعی از جغرافی داشت میتوانست حدس بزند که متفقین ناچارند برای قشون روس مهمات بفرستند و تنها راهی که باقی است راه ایران است زیرا راه شمال روسیه سالی چند ماه پیش قابل استفاده نیست حکومت ایران در آن زمان تحت اراده و نفوذ مطلق رضا شاه قرار داشت و فقط او میبود که میبایستی تصمیمی عاقلانه در این مورد اتخاذ کند زیرا در آن زمان وزرا هیچ نفوذی در شاه نداشتند و فقط مجری اوامر او بودند و مجلس هم مرکب از اشخاصی بود که بامر شاه سالهای متمادی در ادوار مختلف انتخاب شده بودند و آلتی در دست شاه بیش نبودند.

آنچه مسلم است قبل از شهریور متفقین با دولت ایران مذاکراتی کرده بودند که هنوز آن مذاکرات افشاء نشده رضا شاه میبایستی یا خود از روی عقل تصمیم بگیرد یا با رجال سابقه دار و وزراء و و کلاء مجلس در این امر مهم مشاوره کند ولی متأسفانه نه خود تصمیم عاقلانه گرفت و نه از فکر دیگران استمداد نمود هنوز معلوم نیست رضا شاه که بطور قطع میدانست قشون ایران نمیتواند با قشون دو دولت قوی بجنگد تحت تأثیر چه عواملی قرار داشت که نخواست با مذاکرات سیاسی راه حلی برای انجام تقاضای متفقین پیدا کند؟ آیا ایران نمیتوانست راه حمل و نقل به متفقین بدهد ولی در جنگ هم نبا شد مثل سوئد؟ آیا شاه انتظار داشت که قبل از رسیدن متفقین بایران قشون آلمان برسد و کار متفقین را خاتمه دهد؟ آیا رضا شاه آن قدر

نمیدانست که اگر قشون روس وارد ایران شود بزرگترین مانع دوستی و روابط بین ایران و روسیه دیگر نمیتواند صاحب تخت و تاج باشد و با آن قدرت فوق التصور حکومت کند؟

وقتی درست باوضاع آنروز توجه کنیم میبینیم که فکر شاه سابق هر چه بوده اشتباه و سوء تشخیص بوده است او میبایستی در مقابل تقاضای متفقین که مبتنی بر احتیاج نظامی بوده بآنها راه حمل و نقل مهمات داده و با مذاکرات دیپلوماسی آنها را از آوردن قوای خود بایران منصرف کرده باشد پس تردید نمیتوان کرد که اولین و مهمترین علت وخامت اوضاع ایران از شهریور بیعد خبط رضا شاه بوده است. بعد از رفتن رضا شاه مرحوم فروغی و آقایان سهیلی و قوام و ساعد هر يك مدتی زمام امور کشور را در دست داشتند و چون هیچیک از آنها برای اصلاحات کشور اقدامی نکردند و اوضاع را بهمان حال سابق نگاه داشتند احتیاجی نداریم که خبط های هر کدام را بنام خود آنها شرح دهیم و لذا بطور کلی بخبط هائی که از شهریور بیعد شده با شماره بطریق اختصار اشاره میکنیم.

خطبهای

سیاسی مرحوم

فروغی

۱ - يك خبط مهمی که شروع آن از مرحوم فروغی بوده و سایرین هم آنرا مرتکب شده اند سعی و کوشش زمام داران در حفظ اوضاع به همان حال دوره رضا شاه بوده است بهمین نظر بود که مرحوم فروغی در کابینه هائی که تشکیل داد

اغلب اشخاصی را دعوت نمود که از عمال برجسته حکومت دیکتاتوری بودند. و تا به امروز هم در این رویه تغییری داده نشده و عناصری که مورد اعتماد مردم هستند و افکار اصلاح طلبی دارند بکارهای مهم دعوت نشده اند. در ایران درست برخلاف ممالکی که از زیر فشار فاشیزم و دیکتاتوری بیرون آمده اند عمل شده و حال آنکه اگر مجال کار باصلاح طلبان و اشخاصی که در دستگاه حکومت دیکتاتوری نبودند میدادند مردم بحکومت اعتماد پیدا میکردند.

۲ - خبط دیگری که در آنروزهای اول از حکومت سر زد عدم توجه بحال ایلات و عشایر بود رضاشاه عده زیادی از رؤسای عشایر را بدون جهت کشت رعدۀ

از آنها در زندان مردند و بقیه هنگام واقعه شهریور در زندان قصر بودند آنهائیکه زنده مانده بودند از یکطرف بواسطه صدماتی که بآنها وارد آمده بود از قبیل کشتن اقارب زندانی شدن بدون جهت نقض قسم قرآن و کوچ دادن خانواده های آنها بدیار غربت و تلف شدن آنها و از بین رفتن اموالشان و گرفتن املاکشان از دولت کینه در دل داشتند و دیگر نمیتوانستند اعتماد بدولت داشته باشند این رؤسای عشایر را میبایستی فوراً از زندان خارج ولی تا مدتی نگذارند از تهران خارج شوند در حین آن مدت بقوزیت هیثی از اشخاص صالح که خود دستشان در خون عشایر آلوده نباشد تشکیل دهند و بار رد کردن املاکشان و جبران خساراتشان و امیدوار ساختن آنها بآینده هر کدام را بمنطقه خود اعزام دارند یا با جبران خسارات و جلب رضایت خاطرشان باز تاچندی در تهران نگاهدارند - با کمال تأسف باید گفت که دولت درست بخلاف این نظر عمل نمود و بدون اینکه يك قدم اساسی برای جلب رضایت و مطمئن ساختن آنها نسبت بآینده بردارد آنها را مرخص نمود و آنها رفتند در حالیکه مایوس از دولت بودند و هر قدر هم ایام گذشت مایوس تر شدند تا اینکه بعضی از آنها کردند آنچه را که نمیبایستی بکنند. پس بزرگترین عامل عدم امنیت در مملکت بعد از شهریور دولت های ما بودند و صدماتی که ازین راه بر مردم ایران واقع شده علت عمده اش خبط های سیاسی زمامداران ماست.

۳ - چون سیاست دولت بعد از واقعه شهریور حفظ اوضاع سابق از هر جهت بود دولت میل نداشت تغییراتی اساسی در اوضاع کشور داده شود بنابراین نمیخواست مجلسی مرکب از نمایندگان حقیقی مردم و مزاحم دولت وجود داشته باشد و شك نیست که اگر انتخابات دوره سیزدهم باطل شناخته میشد در انتخابات جدید ملت ایران میتواند نمایندگان خود را بدون اعمال نفوذ دولت انتخاب کند و عده که صلاحیت نمایندگی مردم را داشتند انتخاب میشدند و مجلس قبل از هر چیز يك حکومت ملی روی کار میآورد و آن حکومت اوضاع گذشته را تغییر میداد و آن عده را که زمان پهلوی جزو هیئت حاکمه و دسته ممتاز شده بودند از کار های عمومی بر میداشت اما این عمل چون مخالف منافع وزراء و و کلاء مجلس و متنفذین عصر و یاران

آنها بود مشکل بود که بدست خود هیئت حاکمه صورت گیرد و لذا ائتلافی بین دولت و مجلس دوازدهم بوجود آمد که نتیجه اش ابقاء و کلاء دوره سیزدهم بود و چون و کلاء دوره سیزدهم بامر شاه تعیین شده بودند ایران از داشتن يك مجلس ملی حقیقی محروم گردید با آن مجلس انتظار هر گونه تغییر اساسی در کشور بيمورد بود در آن موقع که تازه شاه رفته بود عمال دوره سابق ضعیف بودند و نمیتوانستند در انتخابات مداخله غیر قانونی کنند موقعیت اصلاح طلبان در انتخاب نمایندگان از همان اشخاص شایسته و اصلاح طلب حتمی بشمار میرفت ولی همکاری مجلس سیزدهم با دولتهای مرتجع جبهه ارتجاع را تقویت نمود تا اینکه دیدیم در انتخابات دوره چهاردهم نفوذ دولت و پول سرمایه داران بر دسته های اصلاح طلبان و آزادیخواهان غلبه و باز مملکت را از داشتن مجلسی که اکثریت آن از نمایندگان حقیقی مردم باشد محروم ساخت .

بعقیده نویسنده ابقاء و کلاء دوره سیزدهم بزرگترین مانع برای اصلاحات کشور بشمار میآید و این سیاست سوء نه تنها قابل ملامت بلکه گناهی غیر قابل عفو است .

۴ - بعد از آنکه بین دولت مرحوم فروغی و و کلاء دوره سیزدهم سازش بعمل آمد و علی رغم افکار عمومی که تمایل شدید بتجدید انتخابات داشت و کلاء در يك جلسه تمام اعتبار نامهارا تصویب و بیکیدیگر مبارکباد گفتند حق این بود دولت و مجلس

عدم توجه
باوضاع
اجتماعی کشور

يك نقشه اساسی برای اصلاح امور کشور تنظیم و آن را تعقیب و اجراء نمایند البته باوجود جنگ کسی انتظار نداشت مثلاً دولت کارخانه آهن نوب کمی ایجاد و دست به عملیاتی بزند که در موقع جنگ غیر عملی میباشد ولی دولت میتواند برای اصلاح اوضاع اجتماعی و اقتصادی و اداری قدمهایی بردارد و موقعیت هم حتمی بود که اینها اکنون هم هر قدمی در این راه برداشته شود قطعاً توأم با موفقیت خواهد بود . متأسفانه دولت و مجلس هیچ توجهی باصلاح اساسی امور کشور نکردند و این عدم توجه میدان را برای استفاده چپان باز گذاشت و در مملکت هرج و مرجی بینظیر پدید آورد که هنوز هم باقی است و تانقشه برای اصلاحات اساسی تنظیم و اجراء نشود باقی خواهد بود . این اشتباه دولت و مجلس خسارات زیاده بمملکت متوجه نمود و بیشتر صدماتی

که مردم در این سه سال رسیده و یابعداً برسد از نتایج این خبط است . در اینجا بموقع است تذکر بدهیم که در زمان حکومت رضاتام یکدسته جزو اریستوکراسی جدید و سرمایه‌داران نوظهور قرار گرفته بودند و بواسطه نقشه غلط اقتصادی که وجود داشت اکثریت مردم مخصوصاً زارعین و ایلات و عشایر و کارگران و کلیه اشخاص مزد و حقوق بگیر روز بروز فقیرتر میشدند از روزیکه حکومت دیکتاتوری سقوط نمود لزوم توجه باصلاح این وضع بدولت در مطبوعات تذکر داده میشد ولی دولت توجهی در تمام مدت این سه سال باین امر مهم که در درجه اول و قبل از هر امری باید مورد نظر قرار گیرد نکرد و هنوز هم نمیکند .

نداشتن نقشه برای اصلاحات اجتماعی و تفوق دسته که برای منافع شخصی مایل به اصلاحاتی نبودند بر اصلاح طلبان و روشن فکران اوضاع خراب اقتصادی و اجتماعی را خرابتر از سابق نمود و چون دولت‌ها و مجلس قصد اصلاح اساسی امور کشور را نداشتند بواسطه گرانی و سختی زندگی و احتکار و باز بودن راه استفاده نامشروع و رواج دزدی از اموال و وجوه عمومی و اعمال نفوذ در دستگاه مالی دولت عده قلیلی بر ضرر اکثریت مردم منافع هنگفتی بردند و فقر عمومی بدرجه رقت آوری رسید و امروز یک اختلاف و فاصله بسیار بزرگ و موحشی بین مردم ایران وجود دارد بدین معنی که یکدسته کوچک و اجد تمام وسائل زندگی تجملی هستند ولی اکثریت مردم فاقد همه چیز میباشند . در واقع چون وقت دولتها و مجلس اغلب صرف مسائل و مناقشات خصوصی میگردد مجالی برای توجه باین گونه مسائل مهم نبود و عدم توجه بهمین امور اساسی بود که مبارزه بین مطبوعات و دولتها را بوجود آورد و هنوز هم این مبارزه دوام دارد و دولتها بجای اصلاح خود و امور کشور همیشه سعی میکردند و میکنند باسخت گیری بمطبوعات جلوی انتقادات را بگیرند هر چند مطبوعات هم از مناقشات خصوصی برکنار نبودند و نیستند ولی آنچه مسلم است این است که مطبوعات بنظر دولت هر چه بوده‌اند و باشند در تذکر دادن عیوب بدولتها و مجلس وظیفه خود را انجام داده و همیشه دولتها و مجلس را متوجه بلزوم اصلاحات فوری در کشور نموده‌اند .

۵ - یکی از خبط‌های دیگر که مورد مناقشات زیادی تا کنون واقع شده موضوع مستشارهای آمریکائی است وقتی دکتر میلیسپو برای ریاست کل مالیه ایران استخدام گردید باسوابق

مستشاران
آمریکائی

خدمتگذاری که او هیئت مستشاران آمریکائی در ایران داشتند اکثریت مردم ایران از مراجعت او بایران و استخدام مستشاران آمریکائی حسن استقبال نمودند زیرا تصور مینمودند مشارالیه و مستشاران آمریکائی عاجلاً موفق به اصلاح اوضاع خراب ایران خواهند شد ولی متأسفانه در عمل آنچه که مورد انتظار بود بوقوع نیوست دکتر میلسپو پس از مدتی کار کردن تصور کرد با داشتن اختیارات وسیعی موفق باصلاح امور مالی و اقتصادی ایران خواهد گردید لذا بدولت پیشنهاد نمود که باو اختیارات تامه در امور اقتصادی داده شود و الا ناچار خواهد بود که از ادامه خدمت خودداری کند دولت وقت پیشنهاد مزبور را پذیرفت و علتی که بیشتر بنظر میآید این است که دولت با این عمل خواست بارمسئولیت را از شانه خود بردارد و بشانه دیگری بگذارد مجلس سیزدهم هم این خطای فاحش دولت را بدون تعقل تصویب نمود در صورتیکه دادن چنین اختیاراتی بیک تبعه خارجه از صلاحیت دولت و مجلس خارج بود زیرا نتیجه این عمل سلب مسئولیت از وزیر مالیه و دولت نسبت باعمال دکتر میلسپو میگردد در حال اینکه مطابق قانون اساسی وزراء در مقابل مجلس مسئولیت دارند و دیگر اینکه حق قانون گذاری که از وظائف مجلس است و قابل انتقال نمینماید به یک تبعه خارجه تفویض شده .

بهر حال تفویض این اختیارات بدکتر میلسپو یک خبط بزرگی بوده و دادن اختیارات تامه اقتصادی یک مملکت بدست یک خارجی هر قدر هم دولت وملتی که آن خارجی تعلق بآن دارد دوست بسیار صمیمی باشد امر بی سابقه تاکنون در همه جا بوده است و هیچ مملکت نباید حقوق مسلمه حاکمیت خود را باتباع خارجه تفویض نماید این عمل تاکنون برای ایران ضرر داشته در آینده هم ضرر دارد ما از متخصصین خارجی مخصوصاً دوست خود آمریکا باید استفاده کنیم ولی هیچوقت نباید اختیاراتی را که از حقوق حاکمیت خودمان است باتباع خارجه بدهیم و خود در مملکت خود تماشاچی اعمال آنها شویم و برای خود حق اعتراض درمواردیکه خبط و خطای آنها را می بینیم باقی نگذاریم اینگونه اعمال در سیاست خارجی ما هم تأثیر دارد و شاید روزی تأثیرات سوء این اشتباه دولت و مجلس ایران بر همه معلوم گردد .

مداخله دولت در انتخابات چهاردهم

۶ - یکی از خبط‌های غیرقابل عفو دولت دخالت در انتخابات دوره چهاردهم بوده و نسل حاضر مدتها باید غرامت این خبط را بدهد. تمام امید ملت ایران باین بود که در انتخابات دوره چهاردهم بتوانند نمایندگان حقیقی خود را برای مجلس انتخاب کنند متأسفانه نه فقط دولت بامداخله بوسیله مأمورین خود عده مخصوصی را که خود بدانها نظر داشت تحمیل نمود بلکه جلوی یولداران را برای تطمیع در امر انتخابات باز گذارد و سیاست غلط دولت که بیشتر مبتنی بر منافع خصوصی بود این بار نیز ایران را از داشتن يك مجلسی مطابق آمال ملت محروم ساخت و بازفرستی را برای اصلاح امور کشور از دست مردم گرفت اگر دولت در امر انتخابات دخالت نمیکرد امروز وضع مملکت از لحاظ امور داخلی و خارجی غیر از این ميبود و این اختلافات و گفتگوها پیدش نمی‌آمد.

مسئله نفت

۷ - آخرین اشتباهی که امروز مهم ترین مشکل سیاسی را بوجود آورده مسئله نفت است من تعجب میکنم در این بحبوحه جنگ و گرفتاری عالم فکر مطالعه راجع به نفت ایران برای دولت چه شد که پیش آمد و این فکر را که داد اگر هم از آمریکا نمایندگان شرکت هائی آمده بودند حق این بود در اولین روز ملاقات بآنها جواب رد داده شود. دعوت متخصصین نفت از آمریکا با تسلیم اختیارات تامه اقتصادی بمستشار امریکائی و رسیدن تقاضای امتیاز از شرکت های امریکائی چندان عاقلانه نبود دولت موضوع خواستن متخصص و مطالعه در امر نفت و رسیدن تقاضاهای امتیاز را به مجلس گزارش نداد و مجلس را از جریان بیخبر گذارد تا وقتی خبر قضیه عالم گیر و موجب سوء تفاهم گردید و حال آنکه حق این بود از روز اول در چنین امر مهمی با مجلس مشورت کند دولتها برای مسائل کوچک در مجلس جلسات خصوصی تشکیل میدادند تا بدانند در مجلس زمینه موافقی برای لوایح و پیشنهادات دولت هست یا نه آیا برای موضوع بدین اهمیت نمیتوانستند يك جلسه خصوصی تشکیل بدهند و نظریات مجلس را بدانند. بیخبر گذاردن عامه و مجلس از جریان عملی که واقع شده بود يك اشتباه بزرگ سیاسی بشمار میرود و اگر از روز اول موضوع بمجلس گزارش میشد و افکار عمومی هم با اطلاع از آن میتوانست درباره آن قضاوت کند این غوغا بر نمیخاست.